

## Descent-Based Interpretation as a Cultural Interpretation of the Qur'an (Focusing on the Works of Abdul Karim Behjatpour) \*

Alireza Mohammadifard \*\*

### Abstract

The revelation of the Qur'an was gradual, and through this gradual revelation, the Prophet (PBUH) was able to transform an initial society from a low cultural level to a nation with such cultural excellence that it became the standard-bearer of the call for monotheism, ethics, and humanity across the world. However, what is the method of studying and understanding the Qur'an in order to achieve its cultural elements and the process of cultural transformation within the Qur'an? The main issue of this article is to achieve a "method for studying the Qur'anic culture," which, according to the author, is best achieved through "descent-based interpretation" (Tafseer Tanzili). Of course, since focusing on the views of a descent-based interpreter offers a clearer path and more cohesive elements for achieving this goal, this research is based on the works of Abdul Karim Behjatpour. The method of this research is "ijtihadi". Ijtihadi is a reliable and well-known method that has been used for centuries for referring to religious sources, and it has been recommended by scholars and interpreters of Islam. In this method, rational, logical, transmitted, historical, and theological elements are used according to the issue under investigation. Therefore, this research will draw on rational, logical, and other relevant analyses as needed. The findings of this research include proving the methodological identity of descent-based interpretation and discovering its methodological outcomes (solutions for deepening and expanding the understanding of the Qur'an, stages of the Qur'anic cultural transformation process, the formation of the Qur'anic issues network, the practical application of the Qur'an, and strategies for identifying and solving cultural harms) and content-related outcomes (transformational stages of the Prophetic community, developing a goal-setting approach for uncovering the intentions of God, and achieving a more accurate understanding of Qur'anic terminology).

**Keywords:** Descent-Based Interpretation; Cultural Interpretation; Qur'anic Culture; Abdul Karim Behjatpour

---

\* Received: 2024-01-13      Revised: 2024-05-15      Accepted: 2024-09-11

\*\* Assistant Professor of Department of Quran and Hadith Sciences of Islamic sciences Faculty of Al-Mustafa International University, Qom, IRAN. Email: Amfard1359@gmail.com



دو فصلنامه

تفسیر پژوهی اثری

سال یازدهم، جلد اول، پیاپی ۲۱

بهار و تابستان ۱۴۰۳

صفحات ۳۴۲-۳۰۱

DOI: [10.22049/quran.2025.29340.1434](https://doi.org/10.22049/quran.2025.29340.1434)

مقاله علمی - پژوهشی

## تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن (با محوریت آثار عبدالکریم بهجت پور)\*

علیرضا محمدی فرد\*\*

### چکیده

نزول قرآن تدریجی است و در این نزول تدریجی، پیامبر(ص) توانست یک جامعه ابتدایی را از سطح فرهنگی پایین، به امتی با آن حد از تعالی فرهنگی برساند که پرچمدار ندای توحید، اخلاق و انسانیت در سراسر جهان باشد، اما روش مطالعه و فهم قرآن کریم برای دست‌یابی به عناصر فرهنگی و فرایند تحول فرهنگی قرآن کدام است؟ مسأله اصلی این مقاله دستیابی به «روش مطالعه فرهنگی قرآن» است که به نظر نویسنده «تفسیر تنزیلی» روش مناسب برای این سنخ مطالعه را در اختیار ما می‌گذارد. البته از آنجا که تمرکز بر آرای یک مفسر تنزیلی، مسیر مشخص و عناصر منسجم تری را برای تأمین این امر در اختیار می‌گذارد، این تحقیق بر اساس آثار عبدالکریم بهجت پور صورت می‌گیرد. روش انجام این تحقیق روش اجتهادی است. روش اجتهادی، روش معتبر و معهودی است که صدها سال است برای رجوع به منابع دینی مورد استفاده و سفارش اندیشمندان و مفسران اسلامی است. در این روش عناصر عقلی، عقلایی، نقلی، تاریخی و کلامی به تناسب مسأله تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، این تحقیق، از تحلیل‌های عقلی، عقلایی و ...، به فراخور نیاز بهره خواهد برد. از یافته‌های این تحقیق، می‌توان به اثبات هویت روشی تفسیر تنزیلی و کشف دستاوردهای روشی (راهکارهای تعمیق و توسعه فهم قرآن، مراحل روش تحول فرهنگی قرآن، تشکیل شبکه مسائل قرآن، ورود قرآن به صحنه عمل، راهکار شناسایی و حل آسیب‌های فرهنگی) و محتوایی (دوره‌های تحولی جامعه نبوی، توسعه هدف‌گذاری کشف مرادهای خداوند، فهم دقیق‌تر واژگان قرآنی) این سنخ تفسیر اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر تنزیلی، تفسیر فرهنگی، فرهنگ قرآنی، بهجت پور

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱  
\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم اسلامی دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. ایمیل: Amfard1359@gmail.com



## ۱- مقدمه

### ۱-۱. بیان مسأله

یکی از موضوعات قابل فهم، استنباط و بی‌جویی در آیات قرآن کریم، موضوعات فرهنگی است. کلان‌مسأله این تحقیق «روش تفسیر فرهنگی قرآن» است، اما این کلان‌مسأله را ممکن است بتوان از طرق مختلف بررسی؛ از این‌رو، بررسی و تبیین یک روش خاص در دستیابی به این مسأله کلان، به تحقق نزدیک‌تر است. در این رهیافت مسأله اصلی این مقاله تبیین ارتباط تفسیر تنزیلی با تفسیر فرهنگی قرآن است. البته همچنان می‌توان این مسأله را خاص‌تر و قابل دسترسی‌تر کرد؛ به همین‌روی، این مسأله بر پایه دیدگاه‌های یکی از قرآن‌پژوهان معاصر، یعنی عبدالکریم بهجت‌پور، تبیین می‌شود؛ چرا که تفسیر تنزیلی در نزد قرآن‌پژوهان دیگر، گاه معنا و اهداف دیگری دارد. از ویژگی‌های دیدگاه بهجت‌پور، تولید آثار متعدد در سطوح مختلف مبانی، قواعد و تفسیرنگاری در عرصه تفسیر تنزیلی و بررسی مسائل فرهنگی در قرآن کریم است. از مهم‌ترین آثار تنزیلی وی می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: تفسیر همگام با وحی؛ درآمدی بر اصول تحول فرهنگی با الهام از نزول تدریجی قرآن؛ تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فواید؛ مهارت‌های بیان تفسیر سوره‌های قرآن کریم؛ روش فرهنگ‌سازی عفاف و پوشش اسلامی؛ شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم؛ روش فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی در قرآن؛ و مقالاتی چند.

تبیین ماهیت تفسیر تنزیلی، به‌عنوان یک روش تفسیری منسجم و معتبر برای دستیابی به فهم مقولات فرهنگی قرآن، از اهداف این تحقیق است.

## ۱-۲. روش تحقیق

روش انجام این تحقیق در دستیابی به داده‌ها، تحلیل متنی است؛ چرا که باید به آثار تنزیلی رجوع و از آنها داده‌های مرتبط با مسأله را کشف و تحلیل کرد. از سویی، بررسی و تبیین این داده‌ها، ذیل روش‌شناسی اجتهادی صورت می‌گیرد؛ چرا این روش‌شناسی صدها سال است که برای رجوع به منابع دینی مورد استفاده و سفارش اندیشمندان و مفسران اسلامی است. در این روش، عناصر عقلی، عقلایی، نقلی، تاریخی و کلامی به تناسب مسأله تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، این تحقیق، از تحلیل‌های عقلی، عقلایی و ...، به فراخور نیاز بهره خواهد برد.

## ۱-۳. زمینه‌های قبلی پژوهش

بحث از سیر نزول سوره‌ها از دیرباز در کتاب‌های علوم قرآن و برخی تفاسیر مطرح بود. همچنین این امر تحت عنوان تاریخ‌گذاری قرآن، در آثار مستشرقان مطرح و مطالعه شده است. اما آنچه زمینه پیشین این تحقیق را شکل می‌دهد، ارائه تفسیر قرآن بر پایه نزول تدریجی سوره‌ها و آیات آن است. این شیوه تفسیری، موضوعی جدید و مربوط به قرن اخیر است. عبدالقادر ملاحویش آل‌غازی در سال ۱۳۸۳ ه. ق تفسیری به ترتیب نزول منتشر کرد. نویسنده مشروعیت این سبک را تنها مستند به مصحف امیر مؤمنان (ع) می‌کند (آل‌غازی، ۱۳۸۳: ۱/۳-۴). وی فواید این سبک را در رفع اختلاف در اسباب نزول و ناسخ و منسوخ، و مصونیت مفسر از خطا در برداشت‌های تفسیری توضیح می‌دهد (همان: ۴). با توجه به اینکه وی هدف از تفسیر را کشف ابهامات قرآن (همان: ۱۴) و قرآن را دارای نزول تدریجی می‌داند (همان: ۲۰) به دست می‌آید که هدف نهایی او از تفسیر تنزیلی، نهایتاً دستیابی به فهمی دقیق‌تر از آیات است. هم‌زمان

تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن ... / علیرضا محمدی فرد ۳۰۵

با او محمد عزّۀ دروزۀ تفسیری کامل از قرآن منتشر کرد. وی مباحث مربوط به فواید این سبک را در بخش‌های محدودی مانند رابطه قرآن با سیره نبوی (دروزة، ۱۴۲۱: ۱۴۲/۱-۱۴۴)، رابطه قرآن با مسائل اجتماعی مخاطبان (همان: ۱۴۴-۱۴۶)، نقش این سبک در اصلاح برخی برداشتهای لغوی (همان: ۱۴۷)، بیان اساس معارف قرآنی در سوره‌های کوچک (همان: ۱۶۱)، نقش سیاق سور و آیات در فهم آیات و رفع مشکلات اسباب نزول مطرح کرده است (همان: ۱۸۹-۱۹۸).

تفسیر تنزیلی دیگر «پابه پای وحی، تفسیر تدبری قرآن برحسب نزول»، نوشته مهدی بازرگان است. وی با طرح مقدماتی، انگیزه تفسیر به این شیوه را پاسخ به این سؤال دانسته که «چرا و چگونه آیات و تعلیمات [قرآن] تدوین و تنزیل یافته است؟ و رسالت خدا به دست فرستاده‌اش به چه ترتیب و با چه روش انجام شده است؟» (بازرگان، ۱۳۷۴: ۷). این محقق، قرآن را دارای نزول تدریجی، و برخوردار از تغییر، تحوّل و تکامل دانسته، بیان می‌کند که سیر تحوّل قرآن، به اعتباری می‌تواند سیر تحوّل و رشد پیغمبر تلقی شود؛ زیرا تعلیمات الهی ابتدا باید به تدریج در دل و ذهن شخص رسول اکرم (ص) جایگزین شده، اوّل او را تغییر و تربیت دهد تا نوبت به قرائت همراه با مکتب آن برای مردم برسد (همان: ۲۸-۲۹). وی شاخص ترتیب‌بندی تنزیلی آیات را طول آیات یا تعداد کلمات تشکیل‌دهنده آن می‌داند (بازرگان، بی‌تا: ۲۷) و راه‌حل خود را در خصوص جدول ترتیب نزول آیات و سوره‌ها در کتاب دیگرش با نام «سیر تحوّل قرآن» به تفصیل ارائه می‌دهد. در این کتاب تفاوت‌های چینی فعلی قرآن و چینی نزول طبیعی را برمی‌شمارد و فواید تدبیر در قرآن بر اساس ترتیب نزول را به تفصیل توضیح می‌دهد (ن.ک: بازرگان، ۱۳۸۵).

«معارج التفكير و دقائق التدبر، تفسیر تدبری للقرآن الکریم بحسب النزول»، دیگر

تفسیر در همین زمینه است که عبدالرحمن حسن حنّکة المیدانی در سال ۲۰۰۰ م

منتشر کرد. وی براساس قواعد تدبر و با نگاه معرفتی - تربیتی نظریات تکاملی قرآن را که دربر گیرنده تمام طبقات جامعه است، توضیح داده است. وی تأثیر تفسیر تنزیلی را در شکل‌گیری ساخت درمان تربیتی از جانب خدا نسبت به پیامبر(ص)، مؤمنان و کافران آشکار می‌داند (میدانی، ۲۰۰۰: ۶ / ۱).

محمدعابد الجابری در سال ۲۰۰۸ م تفسیری با نام «فهم القرآن الحکیم، التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول» نوشت و آن را در ۳ جلد به چاپ رساند. وی تفسیر خود را متأثر از سخن شاطبی در الموافقات دانست، که در آن به نقش ترتیب نزول سوره‌ها در فهم آیات اشاره می‌کند (جابری، ۲۰۰۸: ۱ / ۹-۱۰). بنابراین، هدف اصلی وی نیز دستیابی به فهمی دقیق‌تر و به‌دور از تحمیل آرا و انظار پیشینیان بر قرآن است. جلال‌الدین فارسی در کتاب‌های «پیامبری و انقلاب»، «پیامبری و جهاد» و «پیامبری و حکومت»، نقش و روش ترتیب نزول سوره‌ها را در موارد سه‌گانه بالا یادآور شده است. آنچه به‌عنوان هدف از رجوع به ترتیب نزول سوره‌ها در نزد این محقق دیده می‌شود، هدفی تاریخی است (ن.ک: فارسی، ۱۳۶۷: ۱۵-۱۴).

با وجود این، بهجت‌پور نوآوری‌هایی دارد که انتخاب آثار و دیدگاه او برای پژوهش در این مقاله موجه است:

#### الف) از جهت مسأله اصلی و هدف

محققان پیشین، عمدتاً هدف اولیه خود را «فهم دقیق‌تر» از آیات معرفی کردند. برخی نیز به دنبال کشف سیر تحول خود قرآن، و نهایتاً تأثیر این سنخ تفسیر در کشف سیره تربیتی پیامبر(ص) بودند. عده‌ای نیز هدف تاریخی از تفسیر تنزیلی قرآن را دنبال می‌کنند، یا همچون مستشرقان، در پی تاریخ‌گذاری قرآن هستند. در حالی که، بهجت‌پور با

تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن ... / علیرضا محمدی فرد ۳۰۷

اذعان به تأثیر این روش در فهم دقیق‌تر قرآن و سیره تربیتی پیامبر(ص)، گامی فراتر نهاده، روش تحول فرهنگی پیامبر(ص) در جهت توحیدی ساختن جامعه را پی می‌گیرد.

(ب) از جهت روش‌شناسی تحقیق

برخی محققان در انجام این روش تفسیری، با فاصله گرفتن از روش‌شناسی اجتهادی، که اعتباربخش مطالعات دینی است، رو به روش‌های صرفاً ادبی یا تاریخی آوردند. اما در این تحقیق، تأکید بر آن است که همواره در چارچوب روش‌شناسی اجتهادی باشد. یکی از بارزترین تفاوت‌های تفسیر تنزیلی در نزد این مفسر با دیگر تفاسیر تنزیلی، شیوه دستیابی به ترتیب نزول سوره‌هاست. به علاوه، در این تحقیق به بیان اهداف و لزوم تفسیر بر اساس ترتیب نزول بسنده نشده، بلکه آثار متعددی در راستای ارائه «مبانی و اصول» و «قواعد» در دو ساحت تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی ارائه شده و این مبانی و قواعد، و مراحل انجام آنها بر نمونه‌های متعددی از تفسیر سوره‌های قرآن و موضوعات اجتماعی، تطبیق شده است.

#### ۴-۱. مفاهیم تحقیق

الف) تفسیر تنزیلی

ترکیب «تفسیر تنزیلی» اقتضا می‌کند تا با تبیین دو مؤلفه «تفسیر» و «تنزیلی» به شناخت دقیق آن دست یابیم. رجوع به تعاریف اصطلاحی ارائه شده از تفسیر نشان می‌دهد که وجه مشترک معنای اصطلاحی این مفهوم «تلاش مفسر برای آشکار ساختن مراد خداوند از آیات قرآن کریم» است (به‌عنوان نمونه، ن.ک: طبرسی، ۱۴۲۶: ۱/۱۱؛ جرجانی، ۱۴۱۱: ۳۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۴).

این تعریف، جنس تفسیر، اعم از تنزیلی و غیرتنزیلی، را نشان می‌دهد. اما برای دستیابی به فصل ممیز تفسیر تنزیلی، نیازمند آگاهی از ویژگی‌های خاص این قسم تفسیر، در مقایسه با قسیم خود، یعنی تفسیر مصحفی هستیم. برای این کار توجه به دو عنصر «غایت» و «موضوع» این قسم تفسیر راه‌گشاست.

موضوع تفسیر مصحفی، آیات و سوره‌های قرآن است، به ترتیبی که در مصحف کنونی ثبت و ضبط است. در این قسم تفسیر، سوره‌های قرآن کریم موافق چینش در قرآن مدوّن و رسمی، از سوره حمد آغاز می‌شود و با سوره ناس ختم می‌شود، اما در تفسیر تنزیلی، سوره‌ها به ترتیب نزول آنها بر پیامبر(ص) بررسی می‌شود. بنابراین، تفسیر قرآن کریم در تفسیر تنزیلی، از سوره علق آغاز می‌شود و به سوره توبه ختم می‌شود. از جهت غایت نیز باید توجه داشت که مفسران ترتیبی، نهایت هدفشان، کشف مراد جدی خداوند از الفاظ و عبارات خداوند است. از این رو، با حصول این غایت، عملیات تفسیر به پایان می‌رسد. اما تفسیر تنزیلی در طرح کلان خود، در پی کشف روش‌ها و فرایندهای سیر تحول فرهنگی قرآن و چگونگی تجویز آن به جوامع است. از این رو، عملیات تفسیر تنزیلی محدود به کشف معنای الفاظ و عبارات نمی‌شود. بلکه مفسر تنزیلی در حوزه فرا الفاظ، به دنبال کشف‌های فراتر از برداشت‌های لفظی، یعنی جری و تطبیق، تبیین و معانی باطنی می‌رود. این‌گونه کشف‌ها، گرچه در تعریف خاص اصطلاح تفسیر قرار نمی‌گیرد، اما بدون توجه به آنها، کشف و نهادینه‌سازی روش تعالی‌بخشی پیامبر(ص) ناقص می‌داند.

#### ب) تفسیر فرهنگی

اصطلاح تفسیر تعریف شد. اما کلیدواژه «فرهنگ» (= culture) در لغت به معنای دانش، ادب، علم، معرفت و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت دانسته شده است



تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن ... / علیرضا محمدی فرد ۳۰۹

دهخدا، ۱۳۸۵: ۳۴ و ۲۲۷-۲۲۸؛ عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۶۴: ۷۶۹-۷۷۰). در اصطلاح نیز، برای آن معانی مختلفی در رویکردهای علمی ارائه شده است (ن.ک: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/culture> p527, 1972: v3, Singer ابوالقاسمی و فرمینی فراهانی، ۱۳۸۴: ۳۲). گرچه تعاریف مختلف هر یک برآمده از رویکردهای علمی، نظریه‌های انسان‌شناسانه خاص، و متناسب با رشته‌های علمی‌ای است که به مطالعه فرهنگ پرداختند، اما در یک دیدگاه کلان، فرهنگ هر آن چیزی است که در جامعه بشری به شکل اجتماعی و نه طبیعی، منتقل می‌شود ... به این ترتیب، فرهنگ اصطلاحی عام است که در مورد ابعاد نمادین و یادگیری‌شده جامعه بشری به کار می‌رود (مارشال، ۱۳۸۸: ۲۴۸).

بهجت‌پور فرهنگ را به «ریشه زندگی و حیات» معنا کرده، آن را متناسب با فهم، دانایی، آموزش و پرورش، متناسب می‌داند؛ چراکه شکوفایی زندگی بشری و تمایز بشر از دیگر موجودات در پرتو همین امور حاصل می‌شود. بنابراین، فرهنگ، ویژگی زندگی انسان با جنبه جداکننده وی از حیوان است (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۹). اختصاص داشتن مقوله فرهنگ به انسان در عموم تعاریف ارائه‌شده در رویکردهای مختلف مورد اتفاق بود، هرچند با برخی تعاریف پوزیتیویستی از فرهنگ، که حیوان را نیز دارای قابلیت فرهنگ می‌دانند (ن.ک: مارشال، ۱۳۸۸: ۲۴۸)، ناسازگار است.

از سویی، منابعی که دیدگاه‌ها و رفتارهای انسان در هر یک از عرصه‌های مذکور را تنظیم می‌کند، مختلف است، اما یکی از آنها دین، یا به‌نحو خاص‌تر قرآن است. بر این اساس، مفهوم «فرهنگ دینی»، «فرهنگ اسلامی» و «فرهنگ قرآنی» پدیدار می‌شود. بنابراین، فرهنگ قرآنی در این پژوهش، عبارت است از «باورها، ارزش‌ها و آدابی که قرآن کریم در مخاطبان مؤمن خود، در چهار ساحت خدا، هستی، جامعه و

انسان، نهادینه ساخته و انجام یا ترک رفتاری را از انسان خواسته، تا او را شکوفا ساخته و ظرفیت‌های فطری‌اش را به بار نشانند» (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۲۰).  
با مشخص شدن معنای اصطلاحی فرهنگ، اکنون می‌توان معنای «تفسیر فرهنگی» را آشکار کرد. مراد از «تفسیر فرهنگی» این است که مفسر در فهم قرآن، مقولات مرتبط با فرهنگ و فرایند تحول فرهنگی را هدف قرار دهد. به تعبیر دیگر، خوانش قرآن با محوریت فرهنگ رخ دهد.

## ۲. پیش‌فرض‌های تفسیر تنزیلی

تبیین ماهیت تفسیر تنزیلی، به‌مثابه تفسیر فرهنگی، نیازمند معرفی پیش‌فرض‌های این سنخ تفسیر در دیدگاه بهجت‌پور است؛ البته آن دسته از پیش‌فرض‌هایی که مرتبط با مسأله این مقاله است. توجه به پیش‌فرض‌ها و عناصر روش‌شناختی مطالعه فرهنگی در قرآن، ماهیت روش تفسیر تنزیلی را آشکار می‌کند.

### ۲-۱. پیش‌فرض‌های قرآن‌شناختی

#### الف) اهداف قرآن

بر پایه برخی آیات قرآن (مانند: تکویر، ۲۷-۲۸؛ اسراء، ۹)، هدایت به راه مستقیم، هدف اصلی قرآن است (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱/۱). اما، رسالت کلی و بنیادین قرآن، افزون بر هدایت دانشی و شناختی، با تربیت عملی و تحوّل و تغییر فردی و اجتماعی انسان محقق می‌شود. بنابراین، هدف کلان و اصلی قرآن، هدایت است؛ هدایت، دارای این ویژگی‌هاست: ارائه برنامه علمی و عملی‌گذار انسان از وضع موجود به مطلوب، عمومیت، شمول نسبت به ارائه طریق و ایصال به مطلوب. ابعاد هدایت قرآن نیز، شامل هدایت فرد و جامعه، و نیز شامل اصلاح و تغییر بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتار انسان

تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن ... / علیرضا محمدی فرد ۳۱۱

است (همان: ۳۱؛ همو، ۱۳۹۲: ۱۱۲ و ۱۱۹). این ابعاد را می‌تواند در مفهوم «فرهنگ» خلاصه کرد.

از زاویه‌ای این هدف کلان هدایت، چهار خرده‌هدف «ارتباط با خدا، خود، مردم و هستی» را در بر می‌گیرد، و از این میان، رابطه اصلی همان تنظیم رابطه با خداوند بوده، دیگر روابط، در پرتوی این رابطه سامان می‌یابند. در همین حال، هر سوره می‌تواند یک یا چند رابطه از روابط چهارگانه بالا را تأمین کند، و در عین حال، در تمام سوره و آیات، هدف اصلی و کلان قرآن را تأمین می‌کنند (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۱۱۳/۱-۱۱۴).

ب) فرازمانی و فرامکانی بودن روش‌های قرآن

برخی گمان می‌کنند که روش‌ها در هر زمان و جامعه‌ای مختص به آن جامعه است و امکان تعقیب مقاصد و رسالت‌های دین در جوامع جدید با روش‌های مربوط به زمان ظهور اسلام و حضور پیامبر اکرم(ص) وجود ندارد. اما باید دانست که اصول برخی روش‌ها مربوط به فطرت و نوع آفرینش افراد و سنن جاری خدا در میان بشر بوده، با گذر زمان و تغییر جوامع تغییر نمی‌یابد. قرآن موارد فراوانی از روش‌های حاکم و مشترک میان اقوام و ملل را بیان کرده است؛ نظیر آنچه در جریان درگیری انبیا با مخالفانشان در سوره‌هایی چون اعراف، شعراء، فجر و اسراء آمده است. روشن است که تقدم باور بر رفتار، شناخت بر انگیزه، و نظایر این روش‌های تربیتی، که قرآن آنها را روش اصلاح و تغییر افراد و جامعه معاصر نزول قرار داده است با تغییر یا ظهور جوامع نو، تفاوت پیدا نمی‌کند (همان: ۲۷۲-۲۷۴). خلاصه آنکه فرهنگ قرآنی که خداوند می‌خواهد انسان را با سمت و سوی آن تربیت کند، فرازمانی و فرامکانی است و نیز، روش تربیت به پذیرش آن فرهنگ نیز همین ویژگی را داراست.

### ج) نزول تدریجی قرآن

بیان شد که هدف اصلی قرآن، هدایت به مسیر نجات و سعادت با رویکرد تربیت باوری و عملی انسان است. این هدف، توسط قرآن به صورت تدریجی و در بستر زمان و متناسب با شرایط حاکم بر مخاطبان صورت گرفت (بهجت پور، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷). این گونه نزول ویژه و قرائت بادرنگ قرآن، یک واقعیت تاریخی، یعنی نازل شدن قرآن در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر(ص) است. در واقع، قرآن در مقاطع زمانی در قالب آیات و سوره‌ها و متناسب با پرسش‌ها، پیش‌آمدها و شرایط نازل، و بر مردم آن زمان خوانده شد. در نتیجه، تلاوت تدریجی قرآن توسط پیامبر(ص) نیز به تبع نزول تدریجی، شیوه تربیتی قرآن را به خوبی اجرایی کرد (بهجت پور، ۱۳۹۰: ۳۲/۱).

محققان برای دستیابی به ترتیب دقیق نزول سوره‌ها و آیات تلاش‌هایی انجام داده‌اند. بهجت پور برای این امر، با بهره‌گیری از اسناد تاریخی و روایی جداولی ترکیبی از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف گردآورده، و در ضمن دیدگاه خود را نیز در این عرصه ارائه کرده است (همان: ۹۴-۱۱۶).

### د) قرآن، واقع‌نما و اثربخش

هرچند قرآن ناظر به معاصران پیامبر(ص) نازل شد و ناظر به واقع محقق آن زمان است، اما در آن واقع باقی نمانده، دیگران تطبیق‌های قرآن به‌شمار می‌روند. با این توضیح، می‌توان گفت که قرآن کریم برای دو سطح از واقع سخن دارد: «واقع جامعه انسانی در زمان نزول قرآن» و «واقع جامعه انسانی، بریده از زمان خاص» (بهجت پور، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۶). بنابراین، قرآن کریم پیامش را به یک جامعه یا مخاطب محصور نکرد، بلکه با انسان، در هر زمان و در هر افق فرهنگی و سطح اجتماعی سخن

تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن ... / علیرضا محمدی فرد ۳۱۳

می‌گوید (همو، ۱۳۹۰: ۳۹/۱). از جهت دیگر، زبان قرآن یک زبان تربیتی و تحوّل‌ی است. قرآن با هدف خارج کردن مردم از بستر اندیشه، گرایش و رفتار تاریک و رساندن مردم از راه مستقیم به آرمان‌ها، آنان را به حرکت دعوت می‌کند (بهجت‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵). بنابراین، یکی از بزرگ‌ترین رسالت‌های دین تقویت اراده انسان و تواناسازی او برای مبارزه با فرهنگ‌های بومی - منطقه‌ای است و به او قدرت تزکیه و تطهیر نفس داده، تأثیرات منفی وراثت و اجتماع را از جان او جدا می‌کند و او را به آزادی معنوی می‌رساند (همو، ۱۳۹۲: ۷۵). بر این اساس، زبان قرآن از حیث اثربخشی بر انسان، یک زبان تربیتی و انگیزشی بوده، صرفاً یک زبان معرفت‌بخش و علمی نیست.

#### ه) انسجام آیات و سوره‌های قرآن

از آنجا که رسالت قرآن نجات بشر از شقاوت و رساندن او به رستگاری است، و این هدف در پرتو نزول تدریجی ۱۱۴ سوره عملی شده است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این سوره‌ها، مجموعه‌ای پراکنده و جدا از یکدیگر بوده، یا در راستای هدف کلان و نهایی خود از انسجام و سازواری برخوردارند؟

تناسب گونه‌هایی دارد، که دو محور اساسی آن تناسب آیات و سوره‌هاست. از جمله دلایل تناسب آیات در سوره‌ها پذیرش توقیفی بودن آیات هر سوره و حکیمانه بودن ترتیب نزول آیات و سوره‌هاست. هدایت و تربیت عملی، که هدف اصلی قرآن است، اقتضا می‌کند از سخنان در موضع‌های گوناگون با هدف ایجاد دگرگونی و تحوّل در فرد و جامعه بهره گرفته شود؛ چنان‌که سخنرانی با مطالب متنوع اما هدفمند همراه است. سبک چینش آیات در سوره‌های قرآن نیز همین‌گونه است (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۶۶-۷۳).

پیگیری دستاوردها و فواید مورد انتظار تفسیر تنزیلی و کشف سلسله‌وار برنامه تغییر و تحول و دستیابی به پیوند شناختی و تربیتی میان مفاهیم و محتوای آیات، مرهون کشف معیار تناسب موضوع‌های چینش‌شده در هر سوره است. همچنانکه برخی مفسران «غرض» را ملاک سنجش ارتباط و تناسب آیات یک سوره دانستند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۱۶). افزون بر این، وجود تناسب و پیوند میان دو یا چند سوره به‌عنوان امری طبیعی و منطقی و یکی از پیش‌فرض‌های تفسیر تنزیلی پذیرفته‌شده، ارتباط میان سوره‌ها، در ترتیب نزول برقرار می‌شود.

## ۲-۲. پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی

### الف) اشتراک در گرایش‌های فطری

همه انسان‌ها از فطرت یکسان برخوردار بوده، از گرایش‌هایی همگانی، ذاتی، تغییرناپذیر و کمال‌جویانه بهره‌مندند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۶۸). مهم‌ترین و اثرگذارترین گرایش‌های فطری مشترک انسان‌ها عبارتند از: «سرشت دینی و توحیدی» (همان: ۶۸ و ۷۲) و «میل به کمال‌جویی، رسیدن به کامیابی و رهایی از مشقات» (همان: ۱۱۱).

### ب) نقش اختیار و عوامل محیطی بر تربیت انسان

علاوه بر عامل فطرت که امری تکوینی و مشترک میان همه انسان‌هاست، خانواده و اجتماع نیز در شکل‌گیری شخصیت انسانی انسان تأثیر دارد. اما از نگاه اسلام، تأثیر این عوامل به یک اندازه نیست. تلاش دین برای اصلاح جامعه و تشکیل جامعه صالحان و نیز اهمیتی که بر تشکیل خانواده‌های صالح و متقی صورت گرفته است، نشان از اهمیت جامعه صالح و خانواده صالح در تربیت انسانی دارد. چنانکه نابودی

برخی از جوامع و خانواده‌های ناصالح، پس از اتمام حجت، معلول چنین تحلیلی است. هرچند از نگاه قرآن، در نهایت این اراده و اختیار انسان است که تعیین‌کننده بوده، قدرت تأثیرگذاری بر انتخاب او دارد. بنابراین اراده و اختیار انسان مقدم بر دیگر عوامل تأثیرگذار بر شخصیت اوست و انسان، در نگاه قرآن، کسی است که می‌تواند جبر طبیعت و وراثت را در امور اعتقادی، اخلاقی و رفتاری بشکند و در چنگال آنها اسیر نباشد (همان: ۷۳-۷۵).

### ج) تربیت، امر تدریجی

تربیت، امری تدریجی است، نه آنی و دفع؛ از این رو، تحقق تربیت نخست مترتب بر فهم و دریافت معارف و مطالب است. در مراحل بعد، به کار بستن آنها، آمادگی روحی برای آموختن مراتب بالاتر، و در نهایت به کار بستن آن در مرحله عمل است. به عنوان نمونه، پذیرش معاد در باور به توحید ریشه دارد؛ زیرا تا حقیقت توحید روشن و پذیرفته نشود، نوبت به طرح مبحث معاد نمی‌رسد. افزون بر این، بیان یک نکته شناختی در شرایط ویژه، مانند طرح پس از پرسش یا شبهه، در جایگیر شدن آن مطلب بسیار تأثیرگذار است. هرچند، برخی معارف در پی عمل به برخی آموزه‌های پیشین و رسیدن به بلوغ روحی حاصل می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۳۲/۱).

### ۳. روش‌شناسی مطالعه فرایند تحول فرهنگی، در سیر نزول قرآن

پی بردن به ماهیت روشی تفسیر تنزیلی و تفسیر فرهنگی قرآن در این روش، مبتنی بر شناخت تفسیر تنزیلی و مراحل آن است. در یک دید کلی باید دانست که تفسیر تنزیلی برای کشف فرایند تحول فرهنگی جامعه توسط پیامبر(ص)، در سطح گردآوری داده‌های قرآنی باقی نمی‌ماند، بلکه نیازمند مراحل دیگری است، تا جایی که به سطح

توصیه چگونگی اجرای فرایندها به جوامع امروزی برسد. آشنایی با اقسام، طرح کلی و ماهیت روشی تفسیر تنزیلی، روش‌شناسی آن را در حوزه مطالعات فرهنگی قرآن، آشکار می‌کند.

### ۳-۱. اقسام تفسیر تنزیلی

مطالعه جریان فرهنگ‌سازی قرآن در ترتیب نزولی دارای دو قسم و مرحله اساسی است: «مطالعه بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها» و «مطالعه بر اساس ترتیب نزول موضوعات». مطالعه نخست، یا همان تفسیر تنزیلی سوره‌ای، بدین صورت است که در آن تمام قرآن به‌مثابه یک کل جامع در امر فرهنگ‌سازی بررسی می‌شود. با این مطالعه مراحل تدریجی نزول قرآن کشف، و جریان کلی تحوّل در دوره پیامبر(ص)، به‌منظور کشف چگونگی تغییر و تحوّل فرهنگی جامع قرآن بررسی می‌شود، تا با بازسازی فضای تحوّل‌ی زمان ایشان و کشف گام‌های تحوّل‌ی قرآن، به کشف مدل تحوّل آن جامعه، در راستای تعالی فرهنگ آنان دست یابد. اما مطالعه دوم، که تفسیر تنزیلی موضوعی است، اختصاص به عناصر فرهنگی دارد. در این مطالعه، به‌صورت موضوعی با استخراج تک تک عناصر اصلی تحوّل قرآنی براساس فلسفه حاکم بر آن، نظام روشی و فرایندی قرآن کشف می‌شود؛ یعنی بررسی و تحلیل می‌شود که هر عنصر فرهنگی در چه زمانی ارائه شد، پیش از آن چه عناصر فرهنگی‌ای ارائه شده بود و مجموع این عناصر چه پیوندی با هم دارند؟ این عنصر چگونه عناصر ضدفرهنگی متضاد با خود را کنار زد؟ چگونه به ابهام و مقاومت مردم برای پذیرش آن پاسخ گفت؟ چگونه تبدیل به فرهنگ شد و از چه طرفی تنبیت، پایش و رصد شد؟ (بهجت‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۱۰۲).



### ۳-۲. طرح کلی «تفسیر تنزیلی»

طرح کلی و جامع تفسیر تنزیلی، محدود به مطالعات قرآنی نشده، شامل مطالعات حدیث‌شناختی، جامعه‌شناختی و میدانی هم می‌شود. این طرح در چهار مرحله خلاصه می‌شود. این طرح کلی، در هر دو قسم تفسیر تنزیلی رعایت می‌شود.

#### مرحله اول: سامان دادن به محتویات قرآن، به ترتیب نزول

برای دستیابی به الگوی جامع تغییر و تحول فرهنگی پیامبر(ص)، باید تمام عناصر فرهنگی مندرج در قرآن را که پیامبر(ص) در طول ۲۳ سال به مردم منتقل ساخت، کشف کرد. این مرحله با «تفسیر تنزیلی سوره‌ای»، آن‌گاه «تفسیر تنزیلی موضوعی» اتفاق می‌افتد (بهجت‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۱۰۲).

#### مرحله دوم: سامان دادن به محتویات سنت

پس از کشف عناصر فرهنگی قرآن، باید سنت را متناسب با آن عناصر سامان داد. برای این کار، باید نسبت سنت با قرآن تبیین شود، تا بخش‌هایی از جریان فرهنگ‌سازی قرآن که به مرور سنت تشریح یا تکمیل شده، آشکار شود. البته، در این نسبت‌سنجی، سنت اهل بیت(ع) در طول قرآن قرار داشته، ماهیت تکمیلی برای قرآن دارد (همان: ۱۰۵).

#### مرحله سوم: تعمیم جامعه هدف از راه انطباق مردم بر آیات

در این مرحله تمام قرآن کریم را که مخاطب مستقیم آن جامعه زمان پیامبر(ص) است، بر تمام جامعه کنونی تطبیق می‌کنیم. این تطبیق، در راستای هدف مدیران اجرایی و کارشناسان علوم توصیفی یا تجویزی است. به عبارت دیگر، «کل واقع خارجی

۳۱۸ دوفصلنامه تفسیرپژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

امروزی» را جایگزین «کل واقع خارجی معاصر نزول» می‌کنیم. لازمه این تطبیق، شناسایی دقیق وضعیت اجتماعی و شرایط فرهنگی کنونی است. در نتیجه، نسخه‌ای متناسب با فضای عمومی جامعه کنونی که برآیند همه گروه‌های حال جامعه باشد و نشان‌دهنده ظرفیت درونی همه افراد جامعه باشد، تجویز می‌شود (همان: ۱۰۷-۱۱۲).

#### مرحله چهارم: طبقه‌بندی مخاطبان

در این مرحله، به گروه‌های مختلفی که جامعه از آنان تشکیل شده توجه شده، تلاش می‌شود برای هر گروه برنامه فرهنگی ویژه ترسیم شود. این شیوه باعث می‌شود تا گروه‌های ضعیف‌تر به مسیر و حد متعادل جامعه برسند و گروه‌های پیشرو، در یک حد باقی نمانند (همان: ۱۱۲-۱۱۶).

#### ۳-۳. ماهیت روشی تفسیر تنزیلی

روش در اصطلاح قرآن‌پژوهان، بر چگونگی رجوع و جستجوی مفسر در آیات و سور قرآن، به‌منظور کشف مراد جدی خدای عز و جل، اطلاق می‌شود (شاکر، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۷؛ بابایی، ۱۳۸۶: ۱۷/۱-۱۸). روش هر مفسر با عقاید و تخصص علمی (بابایی، همان: ۱۷-۱۸)، و با مستندات و منابع مورد استفاده او (مؤدب، ۱۳۸۵: ۱۶۵؛ شاکر، ۱۳۸۱: ۴۶) در ارتباط است.

روش تفسیری در راستای تأمین اهداف تفسیر تنزیلی عبارت است از چگونگی استفاده از منابع معتبر برای کشف مرادهای خداوند در مرحله تفسیر و فراتفسیر. این چگونگی استفاده از منابع معتبر، شامل مراحل و قواعد جزئی کشف مرادهای قرآن از منابع معتبر می‌شود، که در مرحله تفسیر به‌منظور رفع ابهام، دفع شبهه و کشف غرض از عبارات و الفاظ قرآن است و در مرحله فراتفسیر، به‌منظور کشف روش‌ها و

فرایندهای تحوّل قرآن، برای تعالی فرهنگی جوامع می‌شود. بر این اساس، توجه به ابعاد مختلف تفسیر تنزیلی، ماهیت روشی این قسم تفسیر را آشکار می‌کند.

#### الف) مسأله محوری

فرایند تولید معرفت و نظریه‌های علمی، همواره مسأله محور است. اندیشمندان با طرح مسائل جدید و حلّ آنها، به نظریه‌ها و فهم‌های جدید علمی دست می‌یابند. تفسیر تنزیلی نیز به جهت هدف‌گذاری خاصی که در کشف سیر تحوّل فرهنگی قرآن دارد، ناگزیر مسأله محور است. رسالت تفسیر تنزیلی، چه در قسم سوره‌ای و چه موضوعی، کشف مسائل مرتبط با سیر تحوّل فرهنگی قرآن، و برقراری ارتباط میان آن مسائل است. در تفسیر تنزیلی سوره‌ای، توجّه اصلی به مسائل تحوّل و تربیتی درون قرآنی است، و در تفسیر تنزیلی موضوعی، هر دو قسم مسائل درون قرآنی و برون قرآنی که مرتبط با زندگی بشری است، قابل عرضه و پاسخ‌گیری از قرآن کریم است. به هر روی، هدف غایی تفسیر تنزیلی که کشف روش‌های تربیتی قرآن و تطبیق آنها بر جوامع امروزی در راستای دستیابی به تعالی فرهنگی است، جز با کشف و عرضه مسائل روز به قرآن امکان‌پذیر نیست.

#### ب) رجوع به منابع معرفتی معتبر

تفسیر تنزیلی برای دستیابی به هدف غایی خود، یعنی کشف سیر تحوّل تربیتی قرآن در راستای تعالی جوامع انسانی با دو سنخ مطالعات قرآنی سروکار دارد: «مطالعات درون‌متنی» و «مطالعات بینامتنی». در مجموع این مطالعات، فهم مرادهای خداوند مبتنی بر بهره‌مندی از منابع معرفتی‌ای چون «آیات قرآن»، «روایات معصومان(ع)»،

«داده‌های عقلی»، «داده‌های تاریخی» و «تجربه‌های بشری» است. این فهم مرادها، زمانی از اعتبار برخوردار است که حجیت داشته، از اعتبار برخوردار باشد. بر پایه دیدگاه بهجت‌پور، ابهاماتی که متوجه ظاهر عبارات قرآن است، با مراجعه درون‌متنی به دیگر آیات مرتفع می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۱: ۴۷)؛ زیرا قرآن خود مفسر خود است و ابهام عارض‌شده در یک آیه، توسط دیگر آیات برطرف می‌شود (همان: ۲۸۶-۲۸۷). بنابراین، در تفسیر تنزیلی قرآن کریم اصیل‌ترین منبع دعوت اسلامی و فهم درون‌متنی مرادهای الهی در خود قرآن است و دیگر منابع اسلامی، حتی روایات، اعتبار خود را از آن دارند. بنابراین، منبع معرفتی اصلی در تفسیر تنزیلی، قرآن کریم است. با وجود این، منبع اصلی بودن قرآن با معتبر بودن منابع معرفتی دیگر منافات ندارد؛ زیرا در مراحل و فرایند کشف سیر تحول تربیتی و تعالی‌بخشی قرآن، گاه نیازمند تفسیرهای بینامتنی قرآن کریم هستیم، که وجود قرائن خارج از متن، منابع دستیابی به مرادهای خداوند در این عرصه هستند. این منابع، که هر یک در جایگاه خود از اعتبار برخوردارند؛ هرچند درجه اعتبار آنها در کنار منبع قرآن، از اعتبار کمتری برخوردار است. از این‌رو، بهجت‌پور معتقد است که قول، فعل و تقریر معصومان(ع) حجت بوده، منبع مستقل تشریحی و دینی است که در کنار قرآن و در سامانه اعتقادات و رفتار دینی نقش دارد. هرچند روایات در مقایسه با قرآن کریم، به لحاظ دلالتی و سندی در رتبه پایین‌تری قرار گرفته، در هنگام سنجش اعتباری و تعارض احتمالی مفاد روایات با آیات، قرآن به‌عنوان منبع اصلی قرار می‌گیرد و روایات به آن عرضه می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۲۹۳). روایات مرتبط با فهم قرآن عبارتند از: «روایات تفسیری» (رفع ابهام از عبارات آیات)، «روایات تنزیلی» (بیان مورد نزول آیات)، «روایات تأویلی» (دفع ابهامات و شبهات از آیات متشابه)،

«روایات تطبیقی» (جری و تطبیق آیات بر مصادیق جدید و غیرموجود در هنگام نزول آیات)، و «روایات تبیینی» (بیان معارف و دستورات مکمل و مرتبط با آیات). در واقع سه دسته اول ما را به فهم مراد می‌رسانند، اما دسته چهارم به تطبیق مراد و دسته پنجم به تکمیل مرادهای الهی مربوطاند (ن.ک: همان: ۲۷۷-۲۷۸).

افزون بر این، قرآن پدیده‌ای گفتاری، تربیتی و ناظر به اصلاح جامعه معاصران نزول در مرحله اول، و دیگر انسان‌ها و جوامع در مرحله بعد است. این مبانی ایجاب می‌کند که گوینده به سطح و عمق نیاز معاصران نزول توجه کند و ناظر به وقایع و نیازهای فرهنگی آن مردم را نازل فرماید، هرچند به تفصیل از این وقایع یاد نکند (همان: ۲۸۱). بر این اساس، به‌طور کلی منطق فهم قرآن یک منطق غیرخطی و در ارتباط با فرهنگ و تاریخ است. به‌طور خاص، از آنجا که تفسیر تنزیلی نگاهی تاریخی و تدریجی به سیر تحول فرهنگی قرآن در بستر جامعه زمان نزول دارد، قراین تاریخی آیات اهمیت زیادی در تفسیر بینامتنی قرآن کریم دارد.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، گزاره‌های قرآن کریم منطبق با فطرت و گزاره‌های بدیهی و اولی عقل انسانی است. این پیش‌فرض خود نشان‌دهنده آن است که داده‌های عقلی برآمده از فطرت بشری و گزاره‌های اولی بدیهی، از حجیت برخوردار بوده، در تفسیر تنزیلی معتبر است. در واقع، قرآن کریم که به‌هدف تربیت و تعالی فرهنگی انسان نازل شده، امکان تعارض با فطریات و بدیهیات انسانی را ندارد. بنابراین، همان‌گونه که آیات قرآن و روایات معصومان(ع) در تفسیر تنزیلی حجّت هستند، داده‌های عقل بدیهی و فطری نیز حجّت هستند.

در نهایت، داده‌های تجربی قطع‌آور، می‌تواند در فهم آیات ناظر به پدیده‌های طبیعی قرینه رفع ابهام قرار گیرد. با توجه به آنچه در طرح کلی تفسیر تنزیلی مطرح

شد، داده‌های تجربی از دو جهت می‌تواند در تفسیر تنزیلی نقش ایفا کند: نخست، در مرحله مسأله‌یابی و عرضه مسائل روز جوامع انسانی به قرآن کریم؛ و دوم، در مرحله تطبیق که سیر تحوّل و تعالی بخشی قرآن بر جوامع کنونی تطبیق می‌شود. در مرحله مسأله‌یابی، با توجه به اینکه قرآن ناظر به تربیت انسان نازل شده است، تفسیر تنزیلی موضوعی، می‌تواند مسائل انسانی را از زندگی انسانی اخذ کرده، به قرآن عرضه کند. در مرحله تطبیق، مطالعات میدانی اندیشمندان اجتماعی، داده‌های لازم و معتبر برای مطالعه تطبیقی سیر تحوّل تربیتی قرآن با جوامع کنونی را فراهم می‌کند.

### ج) مقاصد معارفی و روشی قرآن

مقاصد عالیّه قرآن تنها شامل معارف نیست، بلکه بخش مهمی از مقاصد قرآن با روش‌های دعوت اسلامی پیوند دارد. قرآن همچنان‌که خواهان درک عمیق محتوای معارف خود است، مسلمانان را به روش انتقال این مفاهیم نیز توجّه داده است؛ روشی که ایجاب کرد تا معارف این کتاب یک‌جا و تفکیک شده از یکدیگر عرضه نشود. به‌راستی اگر تربیت عملی متکی بر فطرت و آفرینش مورد اهتمام قرآن نبود، خوب بود پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به تجمیع و دسته‌بندی آیات به شکل موضوعی پرداخته و این همه توزیع و پراکندگی در موضوعات مثل نقش عقل، وحی، ویژگی‌های مؤمنان و منافقان و کافران و ... را مرتفع می‌کردند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۲۶۷-۲۶۸). این تفکیک در تفسیر تنزیلی، چراغ راهی است برای مفسّر قرآن، تا در هنگام کشف مرادهای خداوند آموزه‌های قرآنی را منحصر در محتواهای باوری، اخلاقی و رفتاری نکند، بلکه روش ارائه و نهادینه‌سازی این معارف را نیز از قرآن بجوید. در این رهیافت، همان‌گونه که باید فهم محتوا را با وسواس و دقت کشف و استخراج کرد، روش

تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن... / علیرضا محمدی فرد ۳۲۳

تحوّل آفرینی اسلام را نیز باید با دقت، حساسیت و خلوص، استخراج و ابعادش را مشخص کرد (بهجت پور، ۱۳۹۰: ۲۸/۱).

(د) تفسیر تنزیلی به مثابه روش

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، روش تفسیری عبارت است از چگونگی استفاده از منابع معتبر، در راستای کشف مرادهای خدای متعال در قرآن کریم. تفسیر تنزیلی، فراتر از صرف کشف مراد عبارات قرآنی، در پی کشف عناصر فرهنگی و فرایند تحول فرهنگی است. با توجه به مجموع پیش‌فرض‌هایی که تا کنون ارائه شد، رجوع روشمند به قرآن کریم برای دستیابی به عناصر و فرایند تحول فرهنگی، مستلزم در اختیار داشتن روشی برای رجوع به قرآن است که از عناصر زیر برخوردار باشد:

- منبع معرفتی مرجع آن، قرآن باشد؛
  - مسأله‌محور باشد؛
  - به هدف غایی قرآن و اهداف و مقاصد میانی آن توجه داشته باشد؛
  - از تحلیل لفظی صرف متن قرآن فراتر رفته، قابلیت برقراری ارتباط میان قرآن و زندگی بشر را داشته باشد؛
  - تربیت‌محور بوده، قابلیت مطالعه سیر تدریجی تربیت فرهنگی قرآن را دارا باشد؛
  - افزون بر مباحث محتوایی، قابلیت کشف روش‌های تحول فرهنگی قرآن را نیز داشته باشد؛
  - از پشتوانه روش‌شناختی لازم برای بهره‌مندی از منابع معرفتی معتبر برخوردار باشد.
- با توجه به ویژگی‌هایی که تا کنون برای روش‌شناسی تفسیر تنزیلی مطرح شد، به دست می‌آید که این قسم از تفسیر، تمام مؤلفه‌های فوق را برای تأمین هدف خاص

خود داراست. بنابراین، تفسیر تنزیلی در واقع روشی برای تفسیر فرهنگی قرآن بوده، به عنوان یک روش اجتهادی خاص، متناسب با حلّ مسأله‌ای خاص در حیطه مباحث فرهنگ دینی است. این روش، با برخورداری از مؤلفه‌های خاص، گام‌ها و قواعد خاصی را برای حلّ مسائل مرتبط با چگونگی تحول فرهنگی ارائه می‌کند.

#### ۴. نمونه: روش فرهنگ‌سازی پاکدامنی در قرآن

در این بخش، بر پایه مراحل که برای کشف روش تحوّل قرآن در تفسیر موضوعی تنزیلی مسأله‌محور تبیین شد، نمونه‌ای از یک پژوهش تنزیلی در عرصه «فرهنگ‌سازی پاکدامنی» ارائه می‌شود. این نمونه، خلاصه‌ای است از کتاب «روش فرهنگ‌سازی پاکدامنی در قرآن»، اثر بهجت پور.

#### ۴-۱. تبیین مسأله و تبدیل آن به پرسش‌های مرتبط با اهداف تنزیلی قرآن

«پاکدامنی» از جمله عناصر فرهنگی است که نهادینه‌شدن آن باعث استحکام خانواده‌ها، سالم شدن محل کسب و کار و تفریح‌ها و سرگرمی‌ها از آلودگی‌ها، و افزایش قدرت مؤمنان بر اجتناب از حرام می‌شود. موضوع «پاکدامنی» در تفسیر تنزیلی، به صورت مسأله «روش فرهنگ‌سازی پاکدامنی در قرآن» مطرح می‌شود؛ زیرا در مباحث پیشین تأکید شد که هر سنخ مسأله‌ای متناسب با تفسیر تنزیلی نیست، بلکه رسالت اصلی این روش تفسیری، کشف روش‌های تحوّل قرآن درباره موضوعات فرهنگی و اجتماعی است. خدای حکیم در طول بیست‌وسه سال نزول تدریجی قرآن، جمعیتی مؤمن پدید آورد که پاکدامنی برای آنان یک هنجار اجتماعی بود. این نمونه تحقیق از دو پرسش اصلی شکل می‌گیرد، که هر یک از چند پرسش فرعی تشکیل می‌شود:

۱. چگونه خدای متعال به وسیله قرآن هنجار پاکدامنی را در اجتماع معاصران

نزول، فرهنگ‌سازی کرد؟



• قرآن چگونه پرهیز از آلودگی جنسی را در جامعه عصر نزول به‌عنوان ارزش معرفی کرد؟

• قرآن چگونه پرهیز از آلودگی جنسی را در جامعه عصر نزول تثبیت کرد؟

• قرآن چگونه پرهیز از آلودگی جنسی را در جامعه عصر نزول هنجارسازی کرد؟

• قرآن چگونه هنجار پاکدامنی را تثبیت کرد؟

۲. الگوی بازسازی این هنجار در اجتماع عقلی، با توجه به حجم فرهنگ برهنگی و

انحراف اخلاقی چیست؟

• قرآن در موضوع پاکدامنی مشتمل بر چه پیام‌های هنجاری همگانی (= فراتنزیلی) است؟

• چگونه می‌توان مدل فرهنگ‌سازی پاکدامنی در عصر نزول را بر جامعه هدف تطبیق داد؟

این پرسش‌ها، بر اساس چهار دوره تحوُّلی در سیر نزول سوره‌های قرآن و بر اساس مراحل تحقیق موضوعی تنزیلی مسأله‌محور، که در فصل پیش ارائه شد، تنظیم شده است. بنابراین، فصول اصلی این تحقیق عبارت خواهند بود از:

(۱) ارزش‌گذاری پرهیز از آلودگی جنسی در جامعه عصر نزول؛

(۲) تثبیت ارزش‌گذاری پرهیز از آلودگی جنسی در جامعه عصر نزول؛

(۳) هنجارسازی پرهیز از آلودگی جنسی در جامعه عصر نزول؛

(۴) تثبیت هنجار پاکدامنی در جامعه عصر نزول؛

(۵) جری و تطبیق فرایند هنجارسازی پاکدامنی، بر جامعه کنونی.

چهار فصل نخست، مراحل و فرایند فرهنگ‌سازی پاکدامنی در قرآن کریم را

تبیین می‌کند و فصل پنجم، تطبیق این فرایند بر جامعه هدف و کنونی است.

#### ۴-۲. انتخاب عنوان قرآنی بحث

پاکدامنی، معادل واژه «عفت» در زبان عربی است. عفت از ریشه «عفف» و به معنای هرگونه کنترل نفس از ارتکاب امور قبیح و ناشایست است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۴) و حوزه‌های گوناگونی چون زبان، شکم، گوش، چشم و دامن را دربر می‌گیرد. در اینجا مراد از عفت، صرفاً «عفت دامن» است که تنها بخشی از گستره عفاف را شامل می‌شود و از آن به «پاکدامنی» تعبیر می‌کنیم. ریشه «عفف» چهار بار در قرآن به کار رفته است (بقره، نزول: ۸۷، ۲۷۳؛ نساء، نزول: ۹۲، ۶؛ نور، نزول: ۱۰۳، ۳۳ و ۶۰)، که تنها در دو آیه از سوره نور، در معنای پاکدامنی به معنای مورد نظر این تحقیق استعمال شده است: «وَ لَيْسَتَعَفِيفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ...» (نور، ۳۳)؛ «وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا... وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور، ۶۰). این کاربرد قرآنی، انتخاب عنوان «پاکدامنی»، که معادل فارسی «عفت» در زبان عربی و قرآنی است، را توجیه می‌کند. البته، کلیدواژه «عفف» که ریشه «عفت» است، برای جستجو در آیات قرآنی مرتبط با این موضوع کافی نیست، بلکه در این تحقیق به شیوه مفهومی عمل شده و با مطالعه تمام آیات قرآنی، تمام آیات مشتمل بر مصادیق پاکدامنی، گردآوری شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۸: ۲۴).

#### ۴-۳. گردآوری آیات مرتبط تا مرز اشباع و تحلیل فرایندی آنها

در سیر نزول سوره‌های قرآن، آیات متعددی برای اجتناب دادن اجتماع از آلودگی جنسی و ایجاد جامعه‌ای پاکدامن تدبیر شده است. این جریان خود دارای مراحل بوده است. جدول آیات مربوط به هر دوره، بر اساس دوره‌های چهارگانه گام‌های

تحوّل قرآن کریم باید تنظیم شود. البته از آنجا که قرآن کریم متنی ناظر به واقعیت فرهنگی جامعه معاصر نزول بوده و آنان را مثالی برای تغییر و تحوّل قرار داده، لازم است ابتدا گزارشی از وضعیت اخلاقی مرتبط با پاکدامنی و انحرافات اخلاقی در مکه معاصر دوران نزول ارائه شود. بر اساس گزارش‌ها، در زمان نزول قرآن در مکه انواعی از روابط نادرست اخلاقی با جنس مخالف رواج داشت. اینگونه انحرافات جنسی که در شعر، نثر و رفتار عرب بازتاب داده شده است (ن.ک: منتظری مقدم، ۱۳۸۴) قرآن کریم در این شرایط به اصلاح وضعیت اخلاقی اجتماع همت گماشت و در آیات نورانی اش به دنبال تغییر و تحوّل در چنین اجتماع و مردمی بود.

پس از این مقدمه، وارد مرحله گردآوری آیات به ترتیب نزول، در دوره‌های چهارگانه تحوّل قرآن می‌شویم. آیات هر دوره در جداولی گردآوری می‌شود.

#### دوره اول: ارزش‌گذاری پرهیز از آلودگی جنسی در جامعه عصر نزول

این مرحله مربوط به دوره «دعوت علنی پیامبر(ص) و کنش مخفی مؤمنان» می‌شود که حد فاصل سوره‌های علق (نزول: ۱) تا حجر (نزول: ۵۴) است. در این مرحله، جدولی مانند جدول زیر تهیه، و آیات مربوط به مسأله تحقیق گردآوری و تحلیل اولیه می‌شود.<sup>۱</sup> البته، تنها قسمتی از جدول آیات، به عنوان نمونه، عرضه می‌شود.

---

۱. به جهت رعایت اختصار، در تمام طول ارائه جداول آیات، آیات قرآن و تحلیل‌های تفسیری که بر اساس آنها نکات روش‌شناختی ارائه شده است، حذف می‌شود. برای دستیابی به تفصیل مباحث، به کتاب، ن.ک: «بہجت‌پور، روش فرهنگ‌سازی پاکدامنی در قرآن».

جدول ۲: گردآوری آیات مربوط به پاکدامنی در دوره اول تحول قرآنی

ردیف	سوره	نزول	آیات	ملاحظات	نکات روش شناختی
۱	قمر	۳۷	۳۳-۳۹	بیان یکی از تبعات آلودگی جنسی؛ آن‌ها پیامبر خدا را تکذیب کردند و گرفتار عذاب شدند.	نشان دادن پیامد گسترش آلودگی جنسی، برای پرهیز دادن از رفتن به سمت آلودگی جنسی؛ سپاس‌گزاری، راه نجات از شریک شدن در عذاب مرتکبان آلودگی جنسی.
۲	اعراف	۳۹	۸۰-۸۴	بیان اینکه آلودگی جنسی می‌تواند فرصت بهره‌گیری از هدایت‌های الهی و ارشادات انبیا را به شدت متأثر کند.	ادب تربیت اخلاقی: رعایت اصل گوشیدگی در گزارش ماجراهای آلوده؛ ممنوع بودن مشارکت در گسترش آلودگی جنسی.
۳	فرقان	۴۲	۷۵-۶۳	بیان اینکه تنها با عبادت خدای رحمان می‌توان از انواع آلودگی جنسی تا ترک زنا فاصله گرفت.	پرهیز از آلودگی جنسی در سایه‌سار عبادت خدای رحمان.
۴	...	...	...	...	...

پس از گردآوری و تحلیل روش‌شناختی آیات، نوبت به تحلیل فرایندی آنها در سیر نزول و در ارتباط میان‌سوره‌ای قرآن کریم و بینامتنی قرآن و فضای عصر نزول می‌رسد. قراین نشان می‌دهد که مرحله اول نهادینه‌سازی پاکدامنی با نزول آیات الهی و دعوت رسول اکرم (ص) بر پایه اجتناب دادن مردم از آلودگی‌های جنسی بنا گذاشته شد. در این دوره پس از تثبیت برخی از ارکان دین، مانند توحید ربوبی و عبودی، مسئولیت انسان در برابر خدا، و علم و جزای پروردگار بر رفتار انسان‌ها، الهی بودن

قرآن و تأکید بر رسالت پیامبر اکرم(ص)، نوبت به اجتناب دادن مردم از آلودگی‌های جنسی رسید (بهجت‌پور، ۱۳۹۸: ۸۵).

برای تحقق این امر مهم، دوازده اقدام فرایندی حکیمانه از سید نزول تدریجی آیات فوق قابل شناسایی است:

۱. آگاه‌سازی اجتماع آلوده به وضعیت موجود؛
۲. منع همراهی کردن شاکران با پیامدهای اجتماع آلوده، از راه ترویج فرهنگ شکرگزاری پروردگار؛
۳. آگاهی دادن به آسیب‌زا بودن نحوه‌هایی از گزارش آلودگی‌ها؛
۴. پرهیز دادن افراد از مشارکت در گسترش آلودگی‌ها؛
۵. تبیین تاثیر مراحل پیشین در پرهیز از زنا؛
۶. انجام عبادات‌بهترین عامل کنترل نفس از افتادن به آلودگی‌های جنسی؛
۷. تبیین اینکه علاوه بر عبادالرحمن، مخلصان نیز از گفتن خاص خود برای پرهیز از آلودگی‌های جنسی برخوردارند؛
۸. نهی از زنا به دلیل برخورداری از منطق عقلی، اختصاص به طبقه دینی ندارد؛
۹. در برخی بیماری‌های حاد اخلاقی، امکان وجود راه‌های جایگزین و مشروع وجود دارد؛
۱۰. از جمله سیاست‌های پرهیز دادن از آلودگی‌های جنسی، استفاده از روش‌های ترکیبی ترویج پاکدامنی در کنار نهی و هشدار درباره آلودگی‌های جنسی است؛
۱۱. راهکار پرهیز کامل از آلودگی‌های جنسی و غلبه بر بحران فشار اجتماع آلوده بر افراد پاکدامن، خلوص گسترده و همه‌جانبه است؛

۱۲. برای دور ماندن از آسیب هم‌افزا بودن اجتماع آلوده باید با اقدام‌هایی اختیاری، تضرع به درگاه پروردگار را پیشه ساخت (بهجت‌پور، ۱۳۹۸: ص ۸۵-۸۷).

### دوره دوم: تثبیت ارزش‌گذاری پاکدامنی در جامعه عصر

این مرحله مربوط به دوره «دوقطبی‌سازی اجتماع و نمایان کردن گروه مؤمنان» است. آیات مربوط به این مرحله عبارتند از: انعام، نزول: ۵۵، ۱۲۰ و ۱۵۱؛ شوری، نزول: ۶۲، ۳۶-۳۷؛ ذاریات، نزول: ۶۷، ۳۲-۳۷؛ انبیا، نزول: ۷۳، ۷۴-۷۵ و ۹۱-۹۴؛ مؤمنون، نزول: ۷۴، ۱-۱۱؛ معارج، نزول: ۷۹، ۱۹-۳۵؛ عنکبوت، نزول: ۸۵، ۲۸-۳۵. از مجموع آیات مربوط به این مرحله استفاده می‌شود که برای تثبیت ارزش پرهیز از آلودگی‌های جنسی و تقویت نشاط و استقامت مؤمنان در عرصه پاکدامنی، باید اقدامات زیر انجام شود:

۱. به‌چالش کشیدن رویه‌های ضد اخلاقی حاکم بر اکثریت اجتماع و زمینه‌سازی برای اصلاح ناهنجاری‌های جنسی در اجتماع؛
۲. تلاش برای مشارکت دادن غیرمؤمنان پاکدامن در اجتناب ورزیدن از آلودگی‌های اخلاقی؛
۳. تقویت عامل ایمان و توکل بر خدا در کنار انگیزه‌های عقلی اجتناب از آلودگی‌های جنسی؛
۴. مقایسه مؤکد بین فرجام ارتکاب آلودگی‌های جنسی و سرانجام اجتناب از آن؛
۵. توصیه به نگاه عبرت‌آمیز به تاریخ و به‌خصوص اقوام معتاد به آلودگی جنسی؛
۶. ایجاد روحیه امید به آینده در اقلیت پاکدامن، همراه با تهدید اجتماع آلوده به پیامدهای بد انحراف جنسی؛

تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن ... / علیرضا محمدی فرد ۳۳۱

۷. اطمینان خاطر بخشیدن به مؤمنان شایسته عمل در دنیا و آخرت؛
۸. توجه دادن به دو عامل ایمان و نماز در به عدالت کشاندن رفتار جنسی؛
۹. توجه دادن به تجمع‌های مؤمنان و اهل نماز و نقشی که این تجمع‌ها در ایجاد محیط هم‌افزای پاکدامنی دارند (بهجت‌پور، ۱۳۹۸: ۳۰-۱۳۱).

دوره سوم: هنجارسازی پاکدامنی در جامعه عصر نزول

این مرحله مربوط به دوره «استقرار و هویت‌یابی جامعه اسلامی» است. آیات مربوط به این مرحله عبارتند از: آل عمران، نزول: ۸۹، ۱۴-۱۷؛ احزاب، نزول: ۹۰، ۳۵؛ ممتحنه، نزول: ۹۱، ۱۲؛ نساء، نزول: ۹۲، ۱۵-۱۶؛ همان، ۲۵-۲۷؛ طلاق، نزول: ۹۹، ۱؛ نور، نزول: ۱۰۳، ۲-۳، ۴-۱۰، ۱۱-۱۸، ۱۹-۲۱ و ۲۶.

از تحلیل فرایندی آیات فوق، به دست می‌آید که اقدامات صورت‌گرفته در سیر نزول قرآن، به منظور هنجار کردن ارزش تقوای جنسی در اجتماع مؤمن عبارتند از:

۱. رصد آسیب‌های زندگی خانوادگی، به خصوص چالش‌های مربوط به زنان و تدبیر راهکارهای مناسب برای این امر؛
۲. توانا کردن مردم برای پذیرش هنجارهای ناظر به تقوای جنسی، از راه توسعه تقوای جنسی به موارد حلال و مباح؛
۳. تنظیم قوانین تنبیهی حقوقی یا اجتماعی (بهجت‌پور، ۱۳۹۸: ۱۹۳).

در نگاهی دقیق، نقطه مشترک تمام آیات، ممانعت از بلا تکلیفی معیشتی، عاطفی و ورود فشارهای جنسی غیرقابل تحمل بر زنان ارزیابی می‌شود. این چالش‌ها می‌تواند سلامت اخلاقی و تقوای جنسی زنان و در نهایت، تمام اجتماع را به خطر اندازد (همان: ۱۹۴).

#### دوره چهارم: تثبیت هنجار پاکدامنی

این مرحله مربوط به دوره «استمرار، توسعه و گسترش جامعه اسلامی به سوی تشکیل امت اسلامی» است. آیات مربوط به این مرحله، که در دو دسته جای می‌گیرند، عبارتند از:

الف) پایش و مراقبت اختصاصی: نور، نزول: ۱۰۳، ۲۷-۲۸، ۳۰-۳۱، ۳۳، ۵۸-۵۹ و ۶۰؛ تحریم، نزول: ۱۰۸، ۱-۲ و ۱۱-۱۲.

ب) پایش و مراقبت عمومی از هویت دینی جامعه اسلامی: تغابن، نزول: ۱۱۰، ۱۶؛ صف، نزول: ۱۱۱، ۱-۲؛ مائده، نزول: ۱۱۳، ۲، ۵۴، ۷۸-۷۹ و ۱۰۵؛ توبه، نزول: ۱۱۴، ۶۷ و ۷۱.

از مجموع دو دسته آیات در مرحله چهارم استفاده می‌شود که پس از استقرار پاکدامنی به‌عنوان هنجاری اسلامی، باید برای تثبیت این هنجار تلاش کرد. این دو دسته آیات، به ترتیب بخشی به مراقبت و پایش اختصاصی پاکدامنی و بخشی به پایش و مراقبت عمومی کلیت دین و هویت اسلامی اجتماع، که از جمله آنها پاکدامنی است پرداخته است (بهجت‌پور، ۱۳۹۸: ۲۳۵). در بخش مراقبت اختصاصی حداقل هفت مورد نزول آیه مشاهده می‌شود و می‌توان گفت که تمام این آیات به «تقویت عفت عمومی» اهتمام دارند (همان: ۲۳۵-۲۳۶). و در بخش دوم که مراقبت عمومی بر هویت دینی و هنجارهای اجتماع مسلمان مورد توجه بوده، آیاتی فرود آمد که به تشریح موضوعاتی در این زمینه اشاره دارد (همان: ۲۳۶-۲۳۷).

#### ۴-۴. جری و تطبیق فرایند هنجارسازی پاکدامنی بر جامعه کنونی

مسائل ترکیبی، همچون پاکدامنی، که از ابعاد گوناگونی برخوردارند، در یک آیه یا سوره خاص نیامده، بلکه به تدریج و متناسب با سیر نزول سوره‌های قرآن در اختیار



تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن ... / علیرضا محمدی فرد ۳۳۳

مردم قرار گرفته‌اند. خصوصاً آیات پاکدامنی، چنانکه مشاهده شد، در هر چهار دوره تحوّل قرآن کریم استمرار نزول داشت. در اینجا سؤالات مهمی ذهن مفسّر را به خود مشغول می‌کند؛ مانند سؤالاتی از این دست:

- چرا مسأله‌ای خاص مانند پاکدامنی، باید از ابتدای سوره‌های مکی مطرح شود و طرح ابعادی از آن تا آخرین سوره‌های مدنی نیز ادامه یابد؟
  - چرا مسأله‌ای چون توصیه به ازدواج دادن مجردها و ممنوعیت وادار کردن کنیزان، تا سوره نور (نزول: ۱۰۳، ۳۲-۳۳) به تأخیر افتاد؟
- مفسّر در تفسیر تنزیلی موضوعی برای پاسخ گفتن به این سؤالات باید در مضامین آیات تأمل کند و علّت و چرایی آنها را به دست آورد. این مرحله از جری و تطبیق، در ضمن تحلیل فرایندی آیات پاکدامنی در دوره‌های چهارگانه تنزیلی تحقق یافت.
- اما ضابطه مرحله دوم از جری و تطبیق، که تطبیق روش‌ها و فرایندهای انتزاع شده از آیات، بر جامعه کنونی است، نیازمند شناخت محیط اجتماعی کنونی مخاطبان خود در لایه‌های ذهنی و ظرفیت‌های روانشناختی مخاطبان (به لحاظ سنی، جنسیتی، خانوادگی و ...) است. وی با پاسخ گفتن به پرسش‌هایی چون پرسش‌های ذیل، مفسّر می‌تواند تشخیص دهد که شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم جامعه هدف، در چه وضعیتی است:
- علّت بازگشت جامعه کنونی به پدیده بی‌عفتی چیست و این پدیده از چه زمان آغاز شده است؟
  - اگر علّت آن به سست شدن زیرساخت باورهای اعتقادی بازمی‌گردد، علّت این سست شدن چیست؟
  - آیا علّت امور مذکور، به ناکارآمدی سیاسی یا اقتصادی حکومت اسلامی مربوط است یا به نداشتن برنامه فرهنگی مؤثر از سوی کارگزاران باز می‌گردد؟

• اگر مسأله ریشه در فشارهای بیرونی دارد، این فشارها از ناحیه کدام دشمنان

و کدام رسانه‌ها وارد می‌شود؟

پس از آن برای تطبیق روش‌ها و فرایندهای قرآنی درباره پاکدامنی می‌تواند به پرسش‌هایی همچون «آیا باید به اصلاح و تقویت دینی مردم بپردازیم یا مشکلات اخلاقی و رفتاری صاحبان قدرت و سیاسیون را اصلاح کنیم؟» و «آیا اولویت نخست به مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان اختصاص دارد یا به اصلاح فرهنگ جامعه خود؟» پاسخ گوید. به عبارت دیگر، او می‌تواند روش قرآن را مطابق با شرایط محیطی جدید پیاده‌سازی کند.

#### ۴-۵. نتیجه‌گیری نمونه

بر پایه داده‌های حاصل از سیر نزولی آیات پاکدامنی، اصلاح فردی و اجتماعی در موضوع اخلاق جنسی، مرهون اقداماتی آگاهانه است که به تدریج در فضای فرهنگی و اجتماعی عصر نزول مطرح شد. اقدامات یادشده به جنبه‌های غریزی رفتار جنسی انسان توجه کرد، اما با توجه دادن به مصالح طولانی‌مدت انسان، خطر میل‌های سیری ناپذیر و کنترل‌ناشده در امور جنسی را گوشزد کرد. قرآن کریم توانست با معرفی دو جریان اجتماعی متفاوت و متعارض، جنبه تعدیل رفتار جنسی را مخصوص زیست با اندیشه ایمانی، و جنبه بدون تعدیل را پیامد زیستن با تفکر و فرهنگ جاهلیت قرار دهد. با شکل‌گیری این دو جریان اجتماعی، قرآن در شرایط ظهور مسلمانان و دوقطبی شدن اجتماع در مکه، تدابیری به موقع برای هنجارسازی پاکدامنی به اجرا گذاشت. ابتدا با هنجار بودن آلودگی جنسی مقابله کرد و جریان آلوده را درباره پذیرا شدن آلودگی مورد فشار قرار داد. به‌طور مکرر به پاداش‌هایی که خدا در دو سرا برای

پاکان در نظر گرفته، توجه می‌دهد و به پاکدامنان اطمینان می‌دهد که صدمات و عواقب ناشی از انحرافات و آلودگی‌های اجتماع به آنان سرایت نخواهد کرد. تأکید فراوان به نقش مثبت ایمان و اطمینان خاطر به بینش‌های درست و تقویت این باورها در چارچوب اقامه نماز، دو راهکار مهم برای تداوم مقاومت بر راه پاکدامنی در این شرایط است. همچنین به نظر می‌رسد که ایجاد محیط تجمع و تشکل جریان مؤمن و اهل نماز، و ایجاد و گسترش محیط‌های هم‌افزای مؤمنانه و اقامه عمومی نماز در جامعه، از بهترین عوامل استقامت پاکدامنان در محیط‌های آلوده است. با گسترش جریان خویش‌نهادار و متقی، فرصت برای هنجارسازی پاکدامنی و تقوای جنسی فراهم می‌شود. در نهایت، برای هنجارسازی ارزش پاکدامنی و سریان عملی این ارزش در متن جامعه، اقدامات زیر در دستور کار قرآن قرار گرفت:

- توجه به چالش‌های موجود در نظام خانواده؛
  - تلاش در راستای توسعه مرزهای تقوا به موارد حلال و مباح؛
  - رفع موانع هنجار شدن پاکدامنی.
- همچنین در نهایت و به منظور پایش و مراقبت از ارزش پاکدامنی و هنجارهای ناظر به آن در جامعه ایمانی، اقداماتی با هدایت قرآن در دو بخش اختصاصی و عمومی پیگیری شد:

- شناسایی عوامل زمینه‌ساز آلودگی جنسی؛
- تأکید بر لزوم مراقبت از این هنجار در کنار مسئولیت عمومی مؤمنان در برابر همه مؤلفه‌های دینی.

بزرگ‌ترین مسئولیت مدیران، مربیان اخلاق و مدیران فرهنگی، گسترش فرهنگ عفاف بر پایه رهنمودهای قرآن است. این امر در صورتی که بر اساس دستورات

اسلامی و باتوجه به اقتضائات فرهنگی و محیطی صورت گیرد، به‌طور قطع به‌بار می‌نشیند و رایحه دل‌انگیز عفاف و پاکدامنی را به مشام نسل حاضر و نسل‌های بعد خواهد رساند.

## ۵. نتیجه

پیدایش روش‌های تفسیری گوناگون، امکان بهره‌مندی از قرائن جدید برای دستیابی به زوایایی نو از قرآن را در اختیار مفسران گذارد. یکی از بارزترین پیشرفت‌های تفسیری، پیدایش تفسیر تنزیلی، پس از سیطره تفاسیر ترتیبی بر فضای تفسیرنگاری بود. تفسیر تنزیلی، با تکیه بر اندوخته غنی تفاسیر ترتیبی و موضوعی، دریچه‌ای نو به مطالعات تفسیری می‌گشاید، که با تکیه به آن می‌توان زوایایی جدید از معارف و دانش‌های قرآنی را فراچنگ آورد. این تفسیر رسالت اصلی خود را کشف «روش‌ها و فرایندهای سیر تحول فرهنگی قرآن» قرار داد. از این‌رو، تفسیر تنزیلی به‌هر دو قسم ترتیبی و موضوعی قابل تحقق است و کشف عناصر فرهنگی و فرایند تحول فرهنگی را مقصود خود دارد.

انجام روش‌مند تفسیر تنزیلی، حاکی از آن است که با شکل‌دهی منسجم پیش‌فرض‌ها، قواعد و مراحل تفسیر تنزیلی، می‌توان در سیر نزولی آیات و سوره‌های قرآن، هم به نکات محتوایی و هم روشی درخوری دست یافت. تفسیر تنزیلی، روشی تفسیری است که در دو مرحله تفسیر و فراتفسیر، تمام مؤلفه‌های یک روش کارا و منسجم را داراست. مراحل گام‌به‌گام آن از مسأله‌یابی تا تطبیق روش‌های تحوّل قرآن بر جوامع کنونی، همه مبتنی بر مبانی و قواعدی روشن و اجتهادی است.

دستاوردهای تفسیر تنزیلی، در دو ساحت محتوایی و روشی قابل دسته‌بندی است. گرچه، در این مقاله تمرکز بر ماهیت روشی این تفسیر، با تمرکز بر تفسیر تنزیلی

موضوعی بود، اما در این جا می توان فواید محتوایی آن را نیز به دستاوردهای روشی افزود. در پایان، به این دستاوردها اشاره می شود:

#### الف) دستاوردهای روشی

- ارائه راهکارهای روشی برای تعمیق و توسعه فهم منسجم از قرآن؛ گرچه مبحث فهم منسجم آیات و سوره های قرآن، از پیش مطرح بوده است، اما تفسیر تنزیلی با تبیین و معنادگی نوع به مفاهیم «غرض»، «موضوع محوری»، «هدف قرآن»، «اهداف سوره ها» و «پیوند سوره ها در ترتیب نزول»، روش دستیابی مفسران به فهم منسجم را در دو قالب «سوره ای» و «موضوعی» ارائه می کند.
- تبیین مراحل کشف روش تحوّل قرآن کریم؛ فهم مرادهای خداوند در بعد محتوایی، همواره دغدغه مفسران بوده، قواعد آن توسط آنان تدوین شده است. اما تفسیر تنزیلی، با هدف گذاری کشف روش های تحوّل قرآن، با تکیه بر ترتیب نزول سوره ها، روش دستیابی به این روش ها را ارائه می کند.
- در اختیار گذاردن روش شکل دهی شبکه مسائل قرآنی، در راستای هدف تحول فرهنگی قرآن؛ در تفسیر ترتیبی و موضوعی مصحفی، حیث محتوایی، عنصر برقراری ارتباط میان موضوعات مستخرج از قرآن کریم است. اما تفسیر تنزیلی، با محور قرار داده تعالی فرهنگی، رشد تربیتی و سیر تحوّل، شبکه مسائل قرآن کریم را در راستای هدف اصلی قرآن شکل می دهد.
- ارائه روش ورود عملی قرآن به زندگی و نظریه پردازی در علوم انسانی؛ از دغدغه های محققان علوم انسانی دینی، چگونگی دستیابی به نظریه های قرآن کریم و چگونگی تبدیل این نظریه ها به تجویزهای متناسب با جوامع کنونی است. تفسیر

تنزیلی، در طرح کلان خود، ابتدا روش دستیابی به روش‌های تحوّل و فرایند تعالی فرهنگی قرآن را، که لایه‌ای از تولید علوم انسانی است، در اختیار محققان قرار می‌دهد. آن‌گاه با استفاده از جری و تطبیق، روش تجویز این روش‌ها را ارائه می‌کند.

• تحوّل در راهکار شناسایی و حلّ آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی؛ یکی از معضلات جوامع، آسیب‌شناسی اجتماعی و فرهنگی و نیز حلّ این آسیب‌ها در بستر جامعه فعلی است. تفسیر تنزیلی، با شناسایی عناصر فرهنگی قرآنی که منحصر در انسان و جامعه خاصی نیست، و کشف روش‌های مقابله با این آسیب‌ها، راهکار مناسب دینی را پیش‌روی محققان اجتماعی قرار می‌دهد، تا در شناسایی و حلّ آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی از روشی دینی/بومی برخوردار باشند.

• ایجاد زمینه برای بهره‌گیری معنادارتر و دقیق‌تر از مقوله تاریخ و فضای نزول، در راستای کشف مرادات خداوند؛ یکی از دغدغه‌های تفسیری، چگونگی بهره‌مندی از داده‌های تاریخی و اسباب نزول در تفسیر است. تفسیر تنزیلی با تفکیک مخاطبان قرآن به مخاطبان عصر نزول و مخاطبان عام، داده‌های تاریخی و اسباب نزول را به‌عنوان قرائنی در راستای فهم قرآن و روش‌های تحوّل آن در عصر نزول به خدمت می‌گیرد.

#### ب) دستاوردهای محتوایی

• دستیابی به دوره‌های تحوّل جامع نبوی در قرآن؛ با محوریت بخشیدن به کشف روش‌های تحوّل، مفسّر تنزیلی این امکان را دارد که به‌لحاظ محتوایی، به دوره‌های تحوّل قرآن در راستای تعالی فرهنگی عصر نزول دست یابد.

• توسعه هدف‌گذاری تفسیرنگاری در فهم مرادهای خداوند؛ هرآنچه در قرآن مطرح است، چه از سنخ دلالات مستقیم یا غیرمستقیم باشد، جزوی از مرادات خداوند

تفسیر تنزیلی، به مثابه تفسیر فرهنگی قرآن... / علیرضا محمدی فرد ۳۳۹

است؛ زیرا خداوند از علم بی‌پایان بهره‌مند است. بنابراین، تفسیر تنزیلی موجب می‌شود تا هدف‌گذاری مفسران از سطح کشف مرادات محتوایی، به کشف مرادات روشی ارتقا یابد.

فهم دقیق‌تر واژگان قرآنی؛ به‌عنوان نمونه واژه «تقوا» و مشتقات آن در سوره‌های متعدد مکی و مدنی آمده است. اما دقت در سیر نزولی آیات قرآن نشان می‌دهد که مؤلفه‌های این مقوله اخلاقی و فرهنگی قرآن، در سیر نزول، متناسب با تقویت ایمان و شکل‌گیری جامعه ایمانی، دچار توسعه و تعمیق می‌شود. بنابراین، تفسیر تنزیلی نگاه بسیط به واژه‌شناسی قرآن را از حد توجه به معنای وضعی و معنای کاربردی محدود، در فرایند سیر تحولی قرآن، عمق می‌بخشد.

\*\*\*\*\*

## منابع

- قرآن کریم.
- ابوالقاسمی، محمدجواد و محسن فرمهینی فراهانی (۱۳۸۴)، پژوهشی در آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی در دو دهه گذشته انقلاب اسلامی، تهران، عرش پژوه.
- آل‌غازی الفراتی الدیرزوری، عبدالقادر ملّاحویش (۱۳۸۲)، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی.
- بابایی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، مکاتب تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۴)، پا به پای وحی (تفسیر تدبیری قرآن برحسب نزول)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، سیر تحول قرآن، شرکت سهامی انتشار.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا)، بازگشت به قرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۸۸)، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی (با الهام از نزول تدریجی قرآن)، قم، مؤسسه بوستان کتاب.

۳۴۰ دو فصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، همگام با وحی، قم، تمهید.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فواید، پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه، تهران، ج ۱.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۷)، «نقش تفسیر تنزیلی در پیشرفت»، قیسات، ش ۲۳، ص ۵-۳۱.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، تفسیر فریقین، تاریخ، مبانی، اصول، منابع، قم، آثار نفیس.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، سیر فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی، قم، مؤسسه تمهید.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)، روش فرهنگ‌سازی پاکدامنی در قرآن، قم، هاجر.

جابری، محمدعابد (۲۰۰۸)، فهم القرآن الحکیم، مغرب، دار النشر المغریبیه.

جرجانی، علی بن محمد (۱۴۱۱)، التعریفات، تنظیم: محمد بن عبدالحکیم القاضی، قاهره، دار

الکتاب المصری.

دروزة، محمدعزّه (۱۴۲۱)، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت، دارالغرب الاسلامی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۱)، مبانی و روش‌های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۶)، مجمع‌البیان لعلوم قرآن، بیروت، دارالعلوم.

عمید، حسن (۱۳۶۴)، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر.

فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۷)، پیامبری و انقلاب، انتشارات امید.

مارشال، گوردون (۱۳۸۸)، فرهنگ جامعه‌شناسی آکسفورد، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران، میزان.

مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۵)، روش‌های تفسیری قرآن، قم، دانشگاه قم.

میدانی، عبدالرحمن حسن حبّک (۲۰۰۰)، معارج التفکر و دقائق التدبیر، دمشق، دارالقلم.



## References

The Holy Quran.

- Abul Qasemi, Mohammad Javad and Mohsen Farmahini Farahani (1384). A research on the pathology of the development of religious culture in the last two decades of the Islamic Revolution, Tehran: Arsh Pajoh. [In Persian]
- Al-Ghazi al-Farti al-Dirzouri, Abdul Qadir Mallahowish (1382). Bayan al-Ma'ani, Damascus: Al-Tarqi Press. [In Arabic]
- Babaei, Ali Akbar (1386). Tafserif schools, Qom: Hozah and University Research Institute. [In Persian]
- Bazargan, Mehdi (1374). Foot by foot revelation (Tafsir tafsir al-Qur'an according to revelation), Tehran: Farhang Islamic Publishing House.
- \_\_\_\_\_ (1385). The evolution of the Qur'an, publishing company. [In Persian]
- \_\_\_\_\_ (beta). Return to Quran, book translation and publishing company. [In Persian]
- Behjatpour, Abdul Karim (1388). An introduction to the principles of cultural transformation (inspired by the gradual revelation of the Qur'an), Qom: Bostan Kitab Institute. [In Persian]
- \_\_\_\_\_ (1390). Synchronized with revelation, vol.1. Qom: Tamhid. [In Persian]
- \_\_\_\_\_ (1392). Deductive interpretation (descending order), basics, principles, rules and benefits, Research Institute of Culture and Thought. Tehran: Ch1. [In Persian]
- \_\_\_\_\_ (1397). "The role of discount interpretation in progress", Qobsat. No. 23, pp. 5-31. [In Persian]
- \_\_\_\_\_ (1391). Tafsir al-Furiqin, history, foundations, principles, sources, Qom: exquisite works. [In Persian]
- \_\_\_\_\_ (1396). The course of culturalization of Islamic clothing with the approach of discount interpretation: Qom: Tamhid Institute. [In Persian]
- \_\_\_\_\_ (1398). The method of cultivating chastity in the Qur'an, Qom: Hajar. [In Persian]
- Jaberi, Mohammad Abed (2008). Fahm al-Qur'an al-Hakim, Maghreb: Dar al-Nashar al-Maghribiya. [In Arabic]
- Jurjani, Ali bin Muhammad (1411). Al-Tarifaat, edited by: Muhammad bin Abdul Hakim al-Qazi, Cairo: Dar al-Kitab al-Masri. [In Arabic]
- Daruzeh, Mohammad Azzah (1421). Al-Tafsir Al-Hadith: The Order of Surahs Hasb Al-Nuzul, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic]
- Dehkhoda, Ali Akbar (1385). Dictionary, Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University. [In Persian]
- Shaker, Mohammad Kazem (2001). Basis and methods of interpretation, Qom: World Center of Islamic Sciences. [In Persian]

- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1417). *Al-Mizan fi Tafsir Qur'an*, Qom: Islamic Publications Office of Qom Theological Seminary Society. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1426). *Al-Bayan Al-Uloom Qur'an Assembly*, Beirut: Dar Al-Uloom. [In Arabic]
- Omid, Hassan (1364). *Farhang Omid*, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Farsi, Jalaluddin (1367). *Prophethood and Revolution*: Omid Publications. [In Persian]
- Marshall, Gordon (1388). *Oxford Dictionary of Sociology*, translated by Hamira Moshirzadeh, Tehran: Mizan. [In Persian]
- Moadeb, Seyed Reza (2015). *Qur'an interpretation methods*, Qom: Qom University. [In Persian]
- Midani, Abdurrahman Hasan Habankah (2000). *Ma'araj al-Tafkar and Minut al-Tadbar*, Damascus: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Singer, Milton (1972). *International encyclopedia of the social sciences*. Edited by David L. Sills, New York & London: Macmillan & Free press.
- <https://www.merriam-webster.com/dictionary/culture>